

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۱۲۹ رده بندی کنفرانس: ب ۲۲/۲۵۳

بررسی وضعیت حقوقی مراعی

مهدی ابراهیم زاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

مقاله حاضر تحت عنوان وضعیت حقوقی مراعی، به دنبال بررسی مفهوم مراعی و جایگاه آن در حقوق است. جهت دستیابی به این مهم نیازمند به بررسی اصل نسبی بودن قراردادها و مقایسه آن (مراعی) با مصادیق مشابه از جمله بطلان، عدم نفوذ، قابلیت استناد و عدم قابلیت استناد که منتج به این شد، عدم قابلیت استناد بیشتر به وضعیت مراعی نزدیک تر است و شباهت بسیاری با هم دارند، و برخلاف مصادیق مشابه که فقط جهت حفظ حقوق ثالث با طرفین نیست، بلکه به دنبال جمع حقین است.

واژگان کلیدی: مراعی، بطلان، عدم نفوذ، قابلیت استناد، عدم قابلیت استناد

بخش اول: مقدمه

مراعی اسم مفعول از باب مفاعله است که مصدر آن مراعات (مراعه) است. مراعات (مراعه) در لغت به معنی رعایت یکدیگر کردن، نگاه داشتن و حفظ کردن چیزی، جریان امری را در نظر گرفتن، نیک نگریستن، حفظ کردن و رعایت کردن، حق کسی، دیدن پایان کار، مراقبت کردن در کاری و نگریستن به اینکه چگونه می‌گذرد و چه خواهد شد آمده است.^۱ از نظر حقوقی مراعی عبارت است از وضع حقوقی که موجود شده ولی مجهول است، پس از رفع جهل و کشف واقع، عنوان مراعی (یا مراعات) را از دست می‌دهد. مراعات به همین معنی در ماده‌ی ۸۷۸ ق.م به کار رفته است. در مورد هر «وضع حقوقی» که مراعی است سبب آن وضع حقوقی کاملاً محقق شده است و حالت انتظاری جز رفع جهل وجود ندارد.^۲ لذا وضع حقوقی مجهول مال یا عقد که باید انتظار رفع آن را کشید تا اثر حقوقی را مترتب کرد. مثلاً آنان که وصیت تملیکی را عقد می‌دانند و قبول موصی له را کاشف از نقل موصی به از زمان فوت موصی می‌شمردند، وصیت از تاریخ موت موصی تا زمان قبول موصی له حالت مراعی دارد. مالکیت منصوب‌منه در «بدل حیلولة» مراعی است. مراعی در زمینه‌های اثباتی به کار می‌رود به عکس موقوف (مثلاً در فضولی) که در زمینه‌ی ثبوتی استعمال می‌شود.^۳

طبق ماده‌ی ۸۷۸ ق.م. مراعی چنین به کار رفته است: «هرگاه در حین مدت مورث حملی باشد که اگر قابل وراثت متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی از وراث دیگر می‌گردد تقسیم ارث به عمل نمی‌آید تا حال او معلوم شود. و اگر حمل مانع از ارث هیچ‌یک از سایر وارث نباشد و آن‌ها بخواهند ترکه را تقسیم کنند باید برای حمل حصه‌ای که مساوی حصه‌ی دو پسر از همان طبقه باشد کنار گذارند و حصه‌ی هر یک از وارث مراعی آن است تا حال حمل معلوم شود.

۱- م، سعیدی پور، آذینفر، فرهنگ فارسی خرد، انتشارات خرد، سال ۱۳۶۰، ص ۸۴۴- عمید- حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۷۱- ص ۱۷۸۳- روشن، محمد؛ خوینی، غفور و فلاحی، آزاد، بررسی وضعیت حقوقی مراعی و مقایسه آن با نهادهای مشابه، مجله حقوقی دادگستری سال هشتاد و یکم، شماره ۹۷- بهار ۱۳۹۶.
 ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی رهن و صلح، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۸، ص ۱۰۱.
 ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، سال ۱۳۹۳، ش ۱۲۵۰۹.

از این اصطلاح تعریفی نشده است و معمولاً آن را مترادف با اصطلاح «معلق» می‌دانند. البته مترادف نیستند لکن به هم شباهت دارند به این توضیح که اصطلاح معلق در طول زمان و یا تحویل تاریخی حقوق، اختصاص به عقود و ایفاات یافته است و حال آن که اصطلاح مراعی در خارج از عقود به کار می‌رود. قدر مشترک مراعی و معلق امور ذیل است:

الف) وضع حقوقی

ب) پدیده‌ای که این وضع حقوقی به آن پدیده بستگی پیدا کرده است. این پدیده در زمان آینده امکان تحقق و یا عدم تحقق را دارد و به همین جهت یک مجهول یا یک علامت سوال در پیش است و حالت انتظار نسبت به تحقق آن طبعاً در مدتی نامعلوم وجود دارد که نمونه‌ای از آن عبارتند از:

۱) وضع ترکه پس از فوت متوفی که دیونی دارد مجهول و مراعی است: اگر وارث دین را از مال خود بدهد (یا متبرع تبرعاً بدهد) معلوم می‌شود که ترکه از زمان فوت مورث منتقل گردیده است، اگر دین را وارث (یا متبرع) از مال خود ندهد معلوم می‌شود که از زمان فوت مورث، به وارث منتقل نشده است.

۲) گاهی اوضاع و احوالی درمورد ارث پیدا می‌شود که مدتی باید از تقسیم ترکه دست برداشت و باید وضع را مراعی نگهداشت مثلاً اختلاف در نسب وارث به وجود می‌آید و باید دادگاه رأی بدهد که مدتی طول می‌کشد یا در حین موت، حملی وجود دارد که به دستور ماده ۸۷۸ ق.م. مانع از ارث تمام با بعضی وراثت می‌شود، یا غایب مفقودالخبری بین وراثت وجود دارد سهم او کنار گذارده می‌شود تا حال او معلوم گردد.

۳) شک در نری و مادگی - ممکن است وارث، خنثی (مشکل) باشد. یعنی نه علائم مردی بر مزاج او غالب باشد و نه علائم زنی (ماده ۹۳۹ ق.م.).^۱

۴) مالکیت حمل قبل از زنده متولد شدن است، یعنی پس از این که زنده متولد شد مالکیت او مستقر می‌شود.^۱

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ارث، ج اول، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، سال ۱۳۹۲، شش ۱۴۴/۹۸/۵۶.

لذا باتوجه به موارد گفته شده محقق جهت بررسی وضعیت حقوقی مراعی نیاز به بررسی اصل نسبی بودن قراردادها و مقایسه آن (مراعی) با مصادیق مشابه از جمله بطلان، عدم نفوذ، قابلیت استناد و عدم قابلیت استناد می‌باشد.

بخش دوم: اثر نسبی قراردادها

عقود و معاملات موجودات غیرمادی است که در عالم اعتبار و با همکاری متقابل اراده دو یا چند طرف به وجود می‌آید. به این جهت آثار آن نیز باید به اشخاصی که آن را اراده کرده‌اند تسری پیدا کند و اعمال حقوقی قاعدتاً نباید نسبت به اشخاص ثالث که اراده ایشان یا اراده نماینده ایشان در ساختن این ماهیت اعتباری دخالتی نداشته است اثری داشته باشد، یعنی نباید برای این اشخاص که اشخاص ثالث نامیده می‌شوند موقعیت حقوقی ایجاد کند و برایشان حق یا تکلیف به وجود آورد.^۲ لذا طبق اصل آزادی قراردادی که خود شاخه‌ای از اصل کلی‌تر «حاکمیت اراده» است، از دیرباز در عالم حقوق به رسمیت شناخته شده است. براساس آن هیچ کس را نمی‌توان برخلاف خواست و اراده‌اش پایبند به پیمان کرد. «اصل نسبی بودن» از فروع اصل آزادی قرارداد است، زیرا همان‌گونه که طرفین در بستن قرارداد آزاد هستند دیگران نیز آزادند و نباید از توافق دیگران متأثر شوند.

مفهوم اثر نسبی قرارداد این است که قرارداد فقط درباره طرفین موثر است و نمی‌تواند نسبت به اشخاص ثالث اثری داشته باشد. اراده متعاملین می‌تواند با رعایت مقررات، حقوق و تکالیفی برای آن‌ها به وجود آورد؛ ولی اصولاً نمی‌تواند در وضع حقوقی افرادی که در بستن عقود دخالتی نداشته و به آن رضایت نداده‌اند موثر باشد.^۳ ولی در فقه اسلامی تعهد به سود شخص ثالث بصورت شرط ضمن عقد ممکن دانسته، منتها غالباً بدون قبول شخص ثالث نمی‌توان این تعهد را در عالم حقوق دارای تحقق فعلی

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف حقوق دانشنامه ی حقوقی، ج پنجم، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، سال ۱۳۹۱، ص ۲۸۴.

۲- شهیدی، مهدی، آثار قرارداد و تعهدات، جلد سوم، انتشارات مجد، چاپ هفتم، سال ۱۳۹۵، ص ۲۹۴

۱- روشن محمد خوئینی، غفور فلاحی، آزاد، بررسی وضعیت حقوقی مراعی و مقایسه آن با نهادهای مشابه، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد یکم، شماره نود و هفتم، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۴۷ و ۱۴۸- برای مطالعه بیشتر رک. کاتوزیان، ق.ع.ق، ج سوم، صفایی، دکتر سید حسین، قواعد عمومی، قراردادها، ج، دوم، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۳.

شناخت. لذا فاصله بین شرط ضمن عقد تا قبول ثالث یک انتظاری است با رفع انتظار شرط ضمن عقد تحقق می‌یابد.

بخش سوم: وضعیت‌های مشابه وضعیت مراعی

بند اول: بطلان

حالتی است که در آن عقد بنا به هر دلیل وجود حقوقی پیدا نمی‌کند علت آن هم ممکن است فقدان یکی از شرایط اساسی صحت معاملات (فقدان قصد انشا یا موضوع معتبر) یا نبود یکی از شرایط اختصاصی عقود معین باشد.^۱ پس بطلان مربوط به نقض ارکان داخلی عمل است، درواقع وضعیت عملی است که دارای شرایط ضروری انعقاد نیست. (بطلان مطلق)، نوع دیگری بطلان وجود دارد که برخلاف بطلان مطلق که اثر آن بر همگان نسبی است به بیان دیگر با داشتن شرایط اساسی صحت معامله، فاقد شرایط حفظ منافع طرفین یا یکی از دو طرف است. لذا دامن این بطلان نسبی است و تنها شخص مورد حمایت حق ابطال عمل حقوقی را دارد. از آنچه گفته شده تفاوت وضعیت بطلان و مراعی آشکار می‌شود. عقد باطل به علت فقدان شرایط اساسی یا وجود مانع نظم عمومی وجود حقوقی پیدا نمی‌کند، اما مراعی حالتی است که در آن شرایط اساسی صحت قرارداد فراهم است و قرارداد وجود حقوقی دارد و حقوق اشخاص ثالث که به مورد معامله تعلق گرفته است، عقد را در حالت انتظار برای رفع مانع باقی می‌گذارد.^۲

بند دوم: عدم نفوذ

عقد در این حالت نیز اثر حقوقی ندارد و بی اعتبار است اما چون ارکان اساسی عقد وجود دارد، نقضی که سبب بی اعتباری آن می‌شود می‌توان جبران کرد. چون قانون برای آن عقد در حالت نفوذ می‌شناسد، و با اجازه‌ی بعدی می‌توان آن را از آغاز انعقاد تنفیذ کرد. پس عدم نفوذ با بطلان تفاوت زیادی دارد، درواقع عدم نفوذ چه معنای عام کلمه بر هر عقدی که دارای اثر حقوقی نباشد اطلاق می‌شود ولی در معنای

۲- کریمی، عباس؛ شعبانی کندسری، هادی، وضعیت حقوقی مراعی به عنوان وضعیتی در عرض صحت، بطلان و عدم نفوذ، فصلنامه مطالعات حقوقی خصوصی، دوره ۴۷، زمستان ۱۳۹۶، ص ۶۸۷

۳- همان

خاص عدم نفوذ ویژه عقدی است ناقص که قابلیت کمال را دارد با ضمیمه شدن رضای بعدی حیات حقوقی می‌یابد.^۱ مانند عقد فضولی به دلیل فقدان رضای مالک، نفوذ و تأثیری عقد موقوف به اجازه‌ی مالک است. در عقد اکراهی نیز به علت نقضی که در رضای یکی از طرفین وجود دارد، یکی از شرایط انعقاد عقد موجود نیست و تا زمانی که رضای مکره به آن ملحق نشود عقد مزبور اثری ندارد. در عقد صغیر ممیز سفیه نیز به دلیل فقدان شرط اهلیت و نداشتن تجربه‌ی کافی، نفوذ عقد موقوف به اجازه‌ی ولی یا قیم است. اما در عقد مراعی تمام شرایط تشکیل عقد فراهم است و فقط تعلق حق شخص ثالث به مورد معامله مانع آن محسوب می‌شود. بنابراین به هر طریقی که حق شخص ثالث تأمین شود مانع مزبور منتفی می‌شود و مقتضی مزبور اثر خواهد کرد. حتی اگر اجازه‌ای از شخص ثالث صادر نشده باشد.^۲

بند سوم: قابلیت استناد

اشخاص ثالث از قرارداد متأثر نمی‌شوند. تعهد برای دو طرف عقد ایجاد می‌شود و دیگران نه مدیون می‌گردند نه طلبکار. با این وجود عقد به عنوان یک رویداد اجتماعی در برابر اشخاص ثالث نیز قابل استناد است ولی گاه در شرایط خاص عقدی که در رابطه دو طرف نافذ است، در برابر دیگران قابل استناد به نظر نمی‌رسد مثل معامله به قصد قرار از دین، بین دو طرف قرارداد نافذ است لیکن در برابر طلبکارهای مدیون قابل استناد نیست. یا در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه شخص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره‌ی اشخاصی که شرکت در تنظیم آن داشته و ورثه آنان و یا کسی که به نفع او وصیت شده معتبر است. این گونه قراردادها از دیدگاه اشخاص ثالث، در حکم باطل است زیرا هیچ اثری در حقوق آنان ندارد. با این وجود قرارداد غیر قابل استناد را نباید با عقد باطل یکسان شمرد.^۳

۱- روشن، محمد و همکاران، همان منبع، صص ۱۴۹ و ۱۵۰- کریمی، عباس، تلاشی برای ساماندهی نظریه‌ی عدم نفوذ مراعی، فصلنامه‌ی علمی، پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال ۱۳۹۱، ص ۱۵۹.

۲- کریمی، عباس و همکاران، همان منبع، صص ۶۸۷ و ۶۸۸.

۱- روشن، محمد و همکاران، همان منبع، ص ۳۱۹.

بند چهارم: عدم قابلیت استناد

عقد غیر قابل استناد قراردادی است که بین طرفین آن، صحیح و نافذ است، اما در برابر تمام یا برخی از اشخاص ثالث قابلیت استناد ندارد. قرارداد به عنوان یک رویداد اجتماعی در برابر اشخاص ثالث قابل استناد است. الزام نبودن قرارداد برای اشخاص ثالث به این معنا نیست که ایشان می توانند آن را نادیده بگیرند، باید به آن عمل حقوقی احترام بگذارند و مانع اجرای آن نشوند. پس قرارداد نسبت به اشخاص قابل استناد است.

عدم قابلیت استناد، وضع عمل حقوقی است که اقرا می توانند آن را نادیده بگیرند. به عبارت دیگر عمل حقوقی عدم قابلیت اسناد ارکان داخلی آن کامل است به همین دلیل میان طرفین خود اعتبار دارد، اما چون قواعد حامی حقوق اشخاص ثالث را نقض کرده در برابر آنان بی اعتبار است و اگر منافع اشخاص ثالث ایجاب کند آنان همواره می توانند به عمل استناد کنند زیرا غیر قابل استناد بودن برای حمایت از آنها است. پس این ضمانت اجرا همواره از سوی شخصی خارج از طرفین عمل حقوقی طلب می شود و در بیان همان معنا است که گفته می شود غیر قابل استناد وضعیتی ویژه اشخاص ثالث است. لذا این انحراف ایجاد شده تنها به جهت حمایت از شخص ثالث است. برای مثال در مواردی که قرارداد بیع مال غیر منقول میان طرفین واقع شود و این قرارداد مورد ثبت قرار نگیرد، چنین قراردادی میان طرفین صحیح تلقی می شود اما در برابر ثالث که بی اطلاع از چنین وضعیتی باشد غیر قابل استناد خواهد بود.^۱ لذا بین عقد غیر قابل استناد و عقد مراعی شباهت های فراوانی وجود دارد که به شرح ذیل است: در هر دو، لزوم تأمین حق شخص ثالث وضعیت معامله را تحت الشعاع قرار می دهد و آن را مراعی یا غیر قابل استناد می کند. معامله به تنفیذ شخص ثالث نیاز ندارد و با تأمین حق ثالث ایراد معامله برطرف می شود و عقد اثر خود را در برابر همگان برجای می گذارد.

منتها بین دو وضعیت مذکور تفاوت هایی نیز وجود دارد:

نخست آنکه، نظریه‌ی عدم قابلیت استناد در حقوق فرانسه نظریه‌ی عامی نیست و تنها درخصوص برخی قراردادهای و به‌ویژه در قلمرو حقوق تجارت اعمال می‌شود. در حقوق ما نیز غالب مصادیق عمل غیر قابل استناد در قانون تجارت مقرر شده است (مواد ۴۰ و ۲۱۰ ل ۱ و ۱۰۵ و ۱۱۶ ق.ت) این درحالی است که نظریه‌ی مراعی با پشتوانه‌ی عمیق فقهی، تئوری عام حاکم بر قراردادهای است.

دوم آنکه نظریه‌ی عدم قابلیت استناد عقد همواره بین طرفین صحیح است و به عقد باطل تبدیل نمی‌شود. اما در نهاد مراعی پس از مشخص شدن واقع و استفاده ثالث از حق خود معاملات واقع شده، باطل یا منفسخ می‌شوند. باتوجه به اینکه مصادیق مشترکی بین نظریه‌ی مراعی، نهاد عدم قابلیت استناد وجود دارد به دلیل اینکه نظر مراعی نهادی بومی و دارای سابقه و پشتوانه‌ی کهن فقهی است و استناد به نظریه‌ی عدم قابلیت استناد نیازی نیست و تئوری مراعی به خوبی رابط طرفین و اشخاص ثالث را سامان می‌دهد.^۱

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر ضمن بررسی وضعیت حقوقی مراعی با اصل نسبی بودن قراردادهای و همچنین مقایسه مراعی با مصادیق مشابه از جمله بطلان، عدم نفوذ، قابلیت استناد و عدم قابلیت استناد منتج به موارد ذیل گردید:

۱- با مقایسه وضعیت مراعی با بطلان و عدم نفوذ روشن شد که اگر قرارداد فاقد قصد انشا یا موضوع واجد شرایط یا ناقص قواعد آمره قانونی باشد، باطل است. اما هرگاه رضای یکی یا متعاقدان مفقود باشد. قرارداد غیرنافذ و صحت آن به رضای مکره یا مالک منوط است. یا قراردادهای صغیر ممیز و سفیه نیز به علت عدم وجود تجربه کافی و فقدان شرایط اهلیت غیر نافذ است، اما قراردادی که شرایط اساسی صحت معاملات را دارا است ولی به زیان شخص ثالث منعقد شده مراعی است و با تأمین یا سقوط حقوق ثالث خود به خود نافذ می‌شود.

۱- کریمی، عباس و همکاران، همان منبع، ص ۶۸۹

۲- بررسی در وضعیت بطلان با مراعی منتج به این شد که عقد باطل به علت فقدان شرایط اساسی یا وجود مانع نظم عمومی وجود حقوقی پیدا نمی‌کند، ولی مراعی حالتی است که در آن شرایط اساسی صحت قرارداد فراهم است و قرارداد وجود حقوقی دارد، اما این حقوق اشخاص ثالث که به مورد معامله تعلق گرفته است، عقد را در حالت انتظار برای رفع مانع باقی می‌گذارد.

۳- باتوجه به اینکه اشخاص ثالث از قرارداد متأثر نمی‌شوند. و بنا به اصل نسبی بودن قراردادها، قرارداد فقط درباره‌ی طرفین معامله موثر است و نمی‌تواند نسبت به اشخاص ثالث اثری داشته باشد، ولی با این وجود عقد به‌عنوان یک رویداد اجتماعی در برابر اشخاص ثالث قابل استناد است.

۴- با بررسی و مقایسه مراعی با مصادیق مشابه منتج به این شد که وضعیت غیر قابل استناد بودن عمل حقوقی (عدم قابلیت استناد) بیشتر از هر مفهومی به وضعیت مراعی نزدیک و شباهت داشته و حتی برخی از اساتید این دو اصطلاح را مترادف تلقی کرده بودند.

۵- با بررسی و مقایسه مراعی با مصادیق مشابه و تحقیقات محققین که جملگی منتج به این شد که مبنای وضعیت مراعی جمع حقین است نه فقط حقوق ثالث یا طرفین معامله.

منابع و مأخذ:

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۹۲). ارث، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۸۸). حقوق مدنی، رهن و صلح، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۹۱). دایره المعارف حقوق دانشنامه‌ی حقوقی، جلد پنجم، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۹۳). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ ششم.
۵. روشن، محمد خوئینی، غفور و فلاحی، آزاد؛ (۱۳۹۶). «بررسی وضعیت حقوقی مراعی و مقایسه آن با نهادهای مشابه»، مجله حقوقی دادگستری سال هفتاد و یکم، شماره ۹۷.
۶. سعیدی پور، م، آذینفر؛ (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی خرد، انتشارات خرد.
۷. شهیدی، مهدی؛ (۱۳۹۵). آثار قراردادها و تعهدات، جلد سوم، انتشارات مجد، چاپ هفتم.
۸. صفایی، سید حسین؛ (۱۳۹۳). قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم.
۹. عمید، حسن؛ (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، انتشارات امیر کبیر.
۱۰. کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، انتشارات شرکت سهامی انتشارات، چاپ دهم.
۱۱. کریمی، عباس؛ (۱۳۹۱). «تلاشی برای ساماندهی نظریه‌ی عدم نفوذ مراعی»، فصلنامه‌ی علمی، پژوهشی دیدگاه‌های حقوقی قضایی.
۱۲. کریمی، عباس، شعبانی کندسری، هادی؛ (۱۳۹۶). «وضعیت حقوق مراعی با عنوان وضعیتی در عرض صحت، بطلان و عدم نفوذ»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره‌ی ۴۷.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام (۱۴۰۱) موسسه قانون یار، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی-دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش و ...

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش



سندور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(معتبر بر جسته و هویت نام مشخص)

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **محورهای پذیرش مقالات** www.Ghanonyar.ir

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی
- علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی
- علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)